

خبر	
در دیدار رئیس امور ورزش شرکت ملی نفت با مدیرعامل نفت و گاز مسجدسلیمان مطرح شد تاکید بر نگاه ویژه به توسعه ورزش در خاستگاه نفت خاورمیانه  مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان در دیدار با رئیس امور ورزش شرکت ملی نفت ایران تأکید کرد: تمام امید مردم مسجدسلیمان در حوزه‌های اجتماعی به نفت است. بهرام رضاییان؛ رئیس امور ورزش و تربیت‌بدنی شرکت ملی نفت ایران با حضور در مسجدسلیمان با مهندس شهرام ذوالفقاری؛ مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان دیدار و گفت‌وگو کرد. مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان در این نشست ضمن گرامیداشت سالروز قوران نخستین چاه نفت و خیرمقدم به مقام مسئول شرکت ملی نفت، اظهار داشت: مردم مسجدسلیمان در حوزه‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی، نگاه ویژه‌ای به حمایت‌های صنعت نفت دارند و انتظار می‌رود متناسب با این جایگاه تاریخی، زیرساخت‌ها و برنامه‌های ورزشی شهرستان تقویت شود. مهندس ذوالفقاری افزود: ورزشکاران و علاقه‌مندان مستعدی در رشته‌های مختلف ورزشی این شهرستان فعالیت می‌کنند که با حمایت‌های لازم، قطعاً ظرفیت دستیابی به افتخارات ملی و بین‌المللی را دارا هستند. در ادامه این جلسه، بهرام رضاییان؛ رئیس امور ورزش و تربیت‌بدنی شرکت ملی نفت ایران با تأکید بر جایگاه ممتاز مسجدسلیمان در صنعت خاستگاه صنعت نفت خاورمیانه، همواره در اولویت برنامه‌ریزی‌های ما قرار داشته و تلاش شده است در تخصیص بودجه‌های ورزشی، نگاه ویژه‌ای به این منطقه اعمال شود. وی با تأکید بر لزوم هم‌افزایی و برنامه‌ریزی مدون در حوزه ورزش، خاطرنشان کرد: استعدادیابی و سرمایه‌گذاری روی ورزشکاران مستعد، کلید رشد و توسعه ورزش منطقه است و باید با یک نگاه راهبردی در این مسیر حرکت کنیم. گفتنی است در این نشست، داریوش حسن‌پور؛ رئیس امور ورزش شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان، گزارشی جامع از اقدامات انجام شده، برنامه‌های پیش رو و همچنین کاستی‌ها و نیازمندی‌های حوزه ورزش این شرکت ارائه نمود که مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.	

اخبار

سدهای تهران جقدر آب دارند؟



بر اساس آخرین آمار اعلامی از سوی شرکت مدیریت منابع آب ایران از وضعیت سدهای تهران، سد ماملو کمترین و سد طالقان بیشترین حجم آب را دارد که در مجموع این شرایط بیانگر وضعیت نامناسب سدهای تهران و لزوم مدیریت مصرف آب توسط شهروندان است.

به گزارش ایسنا، کشور طی پنج سال گذشته با خشکسالی شدید و مستمر مواجه بوده شرایطی که در بازه‌های ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته کمتر سابقه داشته و امسال نیز این روند خشکسالی ادامه دارد. اگرچه امسال نسبت به سال گذشته در برخی نقاط کشور وضعیت بارندگی‌ها بهتر بود و در برخی مناطق افزایش حجم ذخایر آبی رخ داد، اما این شرایط در استان تهران به شکل قابل محسوسی مشاهده نشد و تأثیر قابل توجهی بر منابع آبی استان نداشته است.

کارشناسان تأکید می کنند موضوع سازگاری با کم‌آبی همواره یکی از الزامات مدیریت منابع آب کشور بوده و توجه به صرفه‌جویی و مصرف بهینه آب باید به عنوان یک الگوی دائمی مورد توجه قرار گیرد.

طبق آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران، تا تاریخ ۹ خردادماه، موجودی مخزن سد امیرکبیر به ۱۳۰ میلیون مترمکعب رسیده که بیانگر ۷۲ درصد پرشدگی این سد است که این رقم نسبت به سال گذشته ۷۵ درصد تغییر داشته است. موجودی مخزن سد لار نیز ۸۲ میلیون مترمکعب ثبت شده و پرشدگی این سد به ۹ درصد رسیده است؛ که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۳ درصد تغییر داشته است.

همچنین آمار منتشر شده گویای آن است که موجودی مخزن سد لتیان ۶۸ میلیون متر مکعب است که نشان دهنده پرشدگی ۹۰ درصد است که میزان تغییرات آن نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۹ درصد است.

از سوی دیگر موجودی مخزن سد ماملو در مقایسه با چهار سد دیگر تهران همچنان نامناسب است به گونه ای که موجود مخزن این سد ۴۰ میلیون متر مکعب بوده که پرشدگی آن به ۱۶ درصد رسیده و میزان تغییرات آن نسبت به سال گذشته ۴۲ درصد اعلام شده است.

در این میان، وضعیت سد طالقان نسبت به سایر سدهای تأمین‌کننده آب تهران اندکی بهتر گزارش شده به طوری که موجودی مخزن این سد ۱۱۱ میلیون مترمکعب بوده و پرشدگی آن به ۵۵ درصد رسیده اما نسبت به سال گذشته، کاهش ۶ درصدی حجم مخزن را نشان می‌دهد.

سرانه مصرف روزانه آب در پایتخت حدود ۱۹۵ لیتر به ازای هر نفر است، در حالی که الگوی استاندارد مصرف حدود ۱۳۰ لیتر تعیین شده است و این فاصله ۶۵ لیتری، نشان می‌دهد که هنوز ظرفیت قابل توجهی برای کاهش مصرف و مدیریت بهتر منابع آبی وجود دارد.

کاهش مدت زمان استحمام با یکی از راهکارهای ساده و موثر در مدیریت مصرف آب است به طوری که تنها با پنج دقیقه کاهش زمان استحمام، بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ لیتر آب صرفه‌جویی می‌شود و وقتی این عدد در تعداد اعضای خانواده و جمعیت شهر ضرب شود، حجم بسیار بزرگی از منابع آبی حفظ خواهد شد. همچنین در این شرایط بهتر است آب سردی را که پیش از گرم شدن آب دوش یا شیر آب هدر می‌رود، جمع‌آوری و برای مصارف دیگر مانند آبیاری گلدان‌ها یا شست‌وشوهای جزئی استفاده شود.

خرید کالا برگی خردادماه آغاز شد

مرحله یازدهم طرح کالابرج الکترونیکی از دیروز (۱۵ خرداد ۱۴۰۵) آغاز شد. به گزارش ایرنا، در ادامه حمایت‌های دولت، مرحله یازدهم طرح کالابرج الکترونیکی مطابق برنامه از امروز آغاز و حساب سپریستان خانوارهای با رقم پایانی کم ملی (۰، ۱ و ۲) و مرحله یازدهم طرح کالابرج الکترونیکی براساس رقم آخر کم ملی:

۱۵ از خرداد - کدهای ملی با پایان ۰، ۱ و ۲* ۲۰ از خرداد - کدهای ملی با پایان ۰۳، ۴، ۵ و ۶*

۲۵ از خرداد - کدهای ملی با پایان ۰۸، ۷ و ۹* یعقوب اندایش، معاون رها و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش‌تر اعلام کرده بود که «هموطنان می‌توانند تا پایان تیرماه از اعتبار خود برای خرید اقلام کالابرجی استفاده کنند».

سناریوهای پیش روی بازار نفت چیست؟

از تنگه هرمز تا محاصره دریایی

بازار جهانی نفت در فاصله ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۵ خرداد ۱۴۰۵، تحت تأثیر جنگ، تهدید تنگه هرمز، محاصره دریایی ایران و فراز و فرود مذاکرات تهران و واشنگتن، یکی از پیرالتهاب‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشته است.



پایدارتر برسد و سطح درگیری نظامی کاهش یابد. در این حالت، ریسک ژئوپلیتیک کاهش یافته و قیمت نفت می‌تواند به محدوده ۸۰ تا ۹۵ دلار بازگردد، هرچند بازگشت به سطوح زیر ۷۰ دلار در این سناریو بسیار بعید به نظر می‌رسد.

در سناریوی دوم، یعنی «تداوم وضعیت پرتنش بدون جنگ گسترده»، بازار در وضعیت فعلی باقی می‌ماند. در این حالت، تنگه هرمز همچنان پرریسک خواهد بود، مذاکرات بی‌نتیجه ادامه خواهد یافت و قیمت نفت در محدوده ۹۰ تا ۱۱۰ دلار نوسان خواهد کرد. این سناریو از دید بازار محتمل‌ترین حالت فعلی محسوب می‌شود، زیرا نه جنگ کاهش می‌یابد و نه به جنگ تمام‌عیار تبدیل می‌شود.

در سناریوی سوم، یعنی «تشدید بحران و اختلال جدی در تنگه هرمز»، بازار وارد فاز کاملاً جدیدی خواهد شد. در این حالت، هرگونه انسداد واقعی یا اختلال گسترده در عبور نفتکش‌ها می‌تواند قیمت نفت را به سطوح بالای ۱۳۰ دلار و حتی فراتر سوق دهد. این سناریو اگرچه کم‌احتمال‌تر است، اما بیشترین اثر آن را بر اقتصاد جهانی خواهد داشت و می‌تواند موج جدیدی از رکود تورمی ایجاد کند.

در نهایت، سناریوی چهارم که می‌توان آن را «توافق ناگهانی یا شوک دیپلماتیک مثبت» نامید، شامل یک توافق سریع و غیرمنتظره میان طرفین درگیر است. در این حالت، بازار با کاهش سریع ریسک مواجه شده و احتمال اصلاح شدید قیمت‌ها تا محدوده ۷۵ تا ۸۵ دلار وجود دارد. با این حال، تجربه این دوره نشان داده که حتی در صورت کاهش تنش، سطح قیمت‌ها به‌طور کامل به دوره پیش از بحران باز نخواهد گشت، زیرا بخشی از ریسک ژئوپلیتیک به‌صورت ساختاری در بازار باقی مانده است.

اسکوتر نظامی، تأخیرهای طولانی و افزایش سطح احتیاط همراه بود. بخشی از نفتکش‌ها برای کاهش ریسک، سیستم‌های موقعیت‌یاب خود را خاموش کرده و مسیرهای غیرشفاف را انتخاب کردند. این وضعیت باعث کاهش کارایی لجستیکی و افزایش هزینه‌های عملیاتی شد و به‌طور غیرمستقیم عرضه مؤثر نفت در بازار جهانی را کاهش داد.

از منظر اقتصاد کلان، پیامد مستقیم این تحولات، بازگشت موج جدیدی از تورم انرژی در سطح جهانی بود. اروپا با افزایش قیمت برق و سوخت مواجه شد، آمریکا با فشار سیاسی ناشی از رشد قیمت بنزین روبه‌رو شد و اقتصادهای آسیایی به سمت افزایش ذخایر استراتژیک حرکت کردند. این چرخه باعث شد افزایش قیمت نفت به سرعت به سایر بخش‌های اقتصاد جهانی منتقل شود و فشار تورمی گسترده‌تری ایجاد کند.

بازار جهانی نفت در این دوره وارد یک معادله ساختاری جدید شد که در آن سه عامل اصلی نقش تعیین‌کننده داشتند: نخست، ژئوپلیتیک به‌عنوان عامل غالب؛ دوم، امنیت مسیرهای انرژی به‌ویژه تنگه هرمز؛ و سوم، مالی‌شدن بازار و افزایش نقش سفته‌بازی در قیمت‌گذاری. در چنین ساختاری، قیمت نفت دیگر صرفاً نتیجه تعامل عرضه و تقاضا نیست، بلکه بازتاب مستقیم سطح تنش‌های سیاسی و امنیتی در نظام بین‌الملل است.

نفت به کدام سو می‌رود؟

در کنار جمع‌بندی تحولات گذشته، بررسی سناریوهای پیش‌رو نشان می‌دهد بازار نفت در ادامه مسیر نیز با چند مسیر محتمل مواجه است. در سناریوی نخست که می‌توان آن را «کاهش تنش کنترل‌شده» نامید، فرض بر این است که مذاکرات دیپلماتیک به‌تدریج به یک چارچوب

بشکه‌ای عرضه روزانه را قیمت‌گذاری کند. در این مرحله، نفت دیگر صرفاً تابع تولید نبود، بلکه تابع احتمال اختلال در تولید و صادرات نیز شده بود.

دو قله تاریخی در بازار نفت

نقطه اوج این دوره در دو مقطع زمانی مشخص شکل گرفت. نخست در ۱۸ اسفند ۱۴۰۴، زمانی که قیمت نفت برنت در اوج درگیری‌های نظامی به سطح ۱۲۰ دلار رسید. این سطح به‌عنوان یک سقف روانی جدید در بازار ثبت شد و نشان داد که بازار وارد فاز جدیدی از قیمت‌گذاری شده است. موج دوم در ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ رخ داد، زمانی که نفت برنت بار دیگر با جهشی حدود ۸ دلاری از مرز ۱۲۰ دلار عبور کرد. در این مرحله، عامل اصلی تغییر قیمت نه جنگ مستقیم، بلکه تهدید به ادامه محاصره دریایی و احتمال بسته شدن تنگه هرمز بود؛ موضوعی که به‌سرعت انتظارات بازار را تغییر داد و موج جدیدی از خریدهای سفته‌بازانه ایجاد کرد.

در کنار این تحولات نظامی، مذاکرات دیپلماتیک میان ایران و آمریکا نیز به‌عنوان یک عامل مکمل اما بی‌ثبات‌کننده در بازار نقش داشت. این مذاکرات که با میانجی‌گری برخی کشورها از جمله پاکستان دنبال می‌شد، هیچ‌گاه به یک توافق پایدار منجر نشد و به‌صورت مقطعی متوقف و از سر گرفته شد. بازار نفت نسبت به این مذاکرات واکنشی دوگانه نشان داد؛ به‌طوری‌که هر خبر مثبت باعث اصلاح محدود قیمت‌ها و هر خبر منفی باعث جهش مجدد آن می‌شد. در واقع، دیپلماسی در این دوره نه ابزار کاهش ریسک، بلکه خود به یکی از منابع نوسان تبدیل شده بود.

در سطح عملیاتی، تنگه هرمز در تمام این دوره هرگز به‌طور کامل بسته نشد، اما عملاً در وضعیت نیمه‌فعال و پرریسک قرار گرفت. عبور کشتی‌ها با

واردات برای مردم یا تجارت برای خواص؟

نیز منطقی نخواهد شد.

اما تجربه چند سال اخیر نشان داده که واردات خودرو نیز از این قاعده مستثنی نیست. هر برند خارجی عملاً در اختیار یک یا دو شرکت خاص قرار گرفته و مصرف‌کننده هیچ انتخاب دیگری ندارد. وقتی واردات یک برند به صورت انحصاری در اختیار یک شرکت باشد، خریدار ناچار است همان قیمت و همان شرایط را بپذیرد که واردکننده تعیین می‌کند.

در چنین بازاری نه رقابت معنا دارد و نه مکانیسم طبیعی عرضه و تقاضا. نتیجه نیز مشخص است: فاصله قابل توجه میان قیمت جهانی خودروها و قیمت نهایی آنها در ایران.

کسی نمی‌پرسد این قیمت‌ها چگونه تعیین می‌شود؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های بازار خودروهای وارداتی این است که سازوکار قیمت‌گذاری دقیقاً چیست؟

در اغلب کشورهای جهان قیمت خودرو مشخص است. حمل، بیمه، عوارض گمرکی، مالیات و سود شرکت واردکننده نیز قابل محاسبه است. اما در ایران فاصله میان قیمت جهانی و قیمت نهایی گاهی به اندازه‌ای بزرگ می‌شود که افکار عمومی و حتی کارشناسان اقتصادی را متعجب می‌کند.

مساله فقط گران بودن خودرو نیست. سوال اصلی این است که این اختلاف قیمت بر چه مبنایی شکل گرفته است؟

اگر خودرویی در بازار جهانی ۵۰ هزار دلار قیمت دارد، چگونه با وجود تعرفه‌های مشخص و هزینه‌های قابل محاسبه، چند ده میلیارد تومان گران‌تر به دست مصرف‌کننده ایرانی می‌رسد؟ این هم‌ا پرسشی است که معمولاً پاسخ روشنی برای آن ارائه نمی‌شود.

پرونده ولوو ۵۰: نمونه‌ای که چنجال به پا کرد

جدیدترین نمونه این ماجرا به قیمت‌گذاری خودروی ولوو S۹۰ لاگاین هیبرید توسط شرکت آفتاب خودرو بازمی‌گردد. بر اساس اطلاعات منتشرشده، این شرکت قیمت حدود ۲۹ میلیارد تومانی برای این خودرو تعیین کرده است. این در حالی است که قیمت همین خودرو در بازار چین حدود ۴۹۹ هزار و ۹۰۰ یوان اعلام شده است.



واردات خودرو قرار بود انحصار را بشکند و بازار را رقابتی کند، اما حالا خود شرکت‌های واردکننده به یکی از مهم‌ترین متهمان انحصار و قیمت‌گذاری‌های غیرشفاف تبدیل شده‌اند. به گزارش اقتصاد۲۴، قرار بود واردات خودرو قفل بازار را باز کند؛ قرار بود با ورود خودروهای خارجی، انحصار شکسته شود، رقابت شکل بگیرد و مصرف‌کننده ایرانی پس از سال‌ها بتواند محصولی باکیفیت را با قیمتی منطقی خریداری کند. اما آنچه در عمل رخ داده، به بازتولید همان انحصار قدیمی در لباسی جدید است نه آزادسازی بازار.

امروز دیگر کمتر کسی واردات خودرو را راهکاری برای تنظیم بازار می‌داند. در شرایطی که تعداد محدودی شرکت مجوز واردات برندهای معتبر جهانی را در اختیار گرفته‌اند، بازار خودروهای وارداتی نیز به عرصه‌ای تبدیل شده که در آن قیمت‌ها نه بر اساس رقابت، بلکه بر اساس اراده واردکنندگان تعیین می‌شود؛ شرکت‌هایی که اغلب به دلیل ارتباطات اقتصادی و سیاسی گسترده، از حاشیه امنیت بالایی برخوردارند و کمتر کسی از آنها درباره منطق قیمت‌گذاری‌هایشان پرسش می‌کند.

انحصار فقط از تولید به واردات منتقل شد

سال‌ها انتقاد اصلی به بازار خودرو ایران متوجه انحصار خودروسازان داخلی بود. منتقدان می‌گفتند تا زمانی که رقابت واقعی وجود نداشته باشد، کیفیت افزایش پیدا نمی‌کند و قیمت‌ها

پشت پرده قیمت‌های نجومی خودروهای وار داتی چیست؟

رالی بورس بعد از بازگشایی

بازار سهام هنوز ارزنده است؟



ببینیم شرکت‌ها در سودآوری فصل بهار نیز مانند فروش عملکرد خوبی داشته‌اند، به نظر من با توجه به عقب‌ماندگی شدید بازار سرمایه و رشد بسیار بالایی که بازار های موازی تجربه کرده‌اند، شرایط برای ورود نقدینگی به بورس فراهم‌تر می‌شود. حالا باید منتظر ماند و دید روند حرکتی شاخص‌های بازار سهام در هفته پیش رو چگونه خواهد بود آیا بازار به روند صعودی خود ادامه خواهد داد یا زمان استراحت فرارسیده است؟

که حتی تا حدود ۲۴ تا ۲۵۰ میلیارد دلار نیز رسیده بود، در سطح پایینی قرار دارد. این کارشناس بازار سرمایه تصریح کرد: از منظر نسبت قیمت به سود (P/E) نیز بازار در زمان بازگشایی در محدوده ۶ واحدی قرار داشت و اکنون به حدود ۷.۴ رسیده است، در حالی که در برخی دوره‌ها این نسبت بالای ۸ نیز بوده است.

همچنین در بسیاری از صنایع، سهام با P/Eهای ۲، ۳ و ۴ همچنان مشاهده می‌شود که این موضوع نیز بیانگر ارزندگی بازار است. همچنین محمد خبری‌زاده کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان گفته بود: واقعیت این است که بازار در شرایط فعلی ارزنده است و با توجه به وجود ندارد. بازار به دلایل مختلف با محدودیت‌هایی مواجه بود و زنجیرهایی به پای آن بسته شده بود که پس از جنگ و پس از بازگشایی، این زنجیرها یکی یکی در حال باز شدن است. به نظر من، بازار در مقطع فعلی هنوز جای نگرانی ندارد و وضعیت بنیادی شرکت‌ها این رشد را کاملاً توجیه می‌کند. او در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره پول‌های پارک‌شده برای ورود به بازار سرمایه و ارزیابی او از اثر تزریق این نقدینگی بر حرکت شاخص بیان کرد: اگر اخبار مثبت ژئوپلیتیکی که اکنون منتشر می‌شود ادامه‌دار باشد و خدای نکرده جنگ با اتفاقی از این دست رخ ندهد، همچنین اگر گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها با گزارش‌های فصلی بهار همراه شود و

به ثبت رسید. در نهایت روز چهارشنبه ۱۲۰ میلیارد تومان خروج پول داشتیم که در مجموع طی هفته کاری که گذشت ۱۸ هزار و ۲۹۱ میلیارد تومان ورود پول به سهام و صندوق‌های سهامی رقم خورد.

در ادامه نیز مجید شجاعی، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان گفت: پس از بازگشایی بازار سهام، در یکی دو روز ابتدایی شاهد فشار فروش بودیم، اما پس از آن بازار به تعادل رسید و سپس حدود یک هفته فضای کلی بازار مثبت و همراه با صف‌های خرید بود؛ به‌طوری‌که در این مدت عمده سهام بارزده‌ی بین ۱۰ تا ۳۰ درصدی را تجربه کردند.

او افزود: علت اصلی این رشد، جاماندگی بازار سهام از تورم و افزایش قیمت‌ها بود؛ چراکه در اقتصاد ایران همزمان با رشد نرخ ارز و افزایش سطح عمومی قیمت کالاها، شرکت‌های تولیدی فعال در بورس نیز با افزایش درآمد و ارزش ذاتی مواجه می‌شوند و این موضوع باید در قیمت سهام منعکس شود. شجاعی ادامه داد: در زمان بازگشایی بازار، ارزش دلاری بورس به حدود ۶۹ میلیارد دلار رسیده بود که یکی از پایین‌ترین سطوح در حدود ۱۰ سال اخیر محسوب می‌شد و همین موضوع نشان‌دهنده ارزندگی بازار است. به گفته او، در حال حاضر ارزش دلاری بازار به حدود ۸۰ تا ۸۵ میلیارد دلار رسیده، اما همچنان در مقایسه با سقف‌های تاریخی

در مجموع طی هفته کاری که گذشت ۱۸ هزار و ۲۹۱ میلیارد تومان ورود پول به سهام و صندوق‌های سهامی رقم خورد.

باشگاه خبرنگاران می‌نویسد: در هفته کاری که گذشت که شاخص کل بورس با افزایش همراه شد و در انتهای آخرین روز کاری خود در ارتفاع ۴ میلیون و ۳۵۹ هزار واحدی ایستاد.

در ادامه کوروش اشپاش کارشناس بازار سرمایه در خصوص روند معاملاتی هفته کاری که گذشت گفت: ارزش معاملات مربوط به سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در روز شنبه ۹ هزار و ۷۱۳ میلیارد تومان، یکشنبه ۱۲ هزار و ۲۷۴ میلیارد تومان، دوشنبه ۲۷ هزار و ۵۱۰ میلیارد تومان، سه‌شنبه ۲۸ هزار و ۵۳۲ میلیارد تومان و چهارشنبه ۳۷ هزار و ۵۲۱ میلیارد تومان بود که در مجموع ارزش معاملات این هفته به ۱۰۵ هزار و ۵۵۰ میلیارد تومان رسید.

این کارشناس بازار سرمایه افزود: سرانه خرید حقیقی‌ها هفته کاری که گذشت ۹۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و سرانه فروش ۶۹ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان ثبت شد. آسایش در ادامه بیان کرد: در بخش ورود و خروج پول، روز شنبه ۴ هزار و ۹۴۸ میلیارد تومان ورود پول، یکشنبه ۶ هزار و ۷۲ میلیارد تومان ورود پول، دوشنبه ۳ هزار و ۲۳۵ میلیارد تومان ورود پول و سه‌شنبه ۴ هزار و ۱۵۶ میلیارد تومان ورود پول